

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۲

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

زندگی بشر بر اساس بهره‌گیری از وسایل و اسباب طبیعی استوار است که هر یک آثار ویژه خود را دارند. معارف اسلامی نیز بر بهره‌گیری از اسباب و وسایل در رسیدن به نتایج مورد نظر تأکید دارد، چه آنکه رفع نیاز توسط وسایل طبیعی به شرط آنکه برای آنها استقلال قائل نشویم، عین توحید است.

کسانی که شرک را به معنای تعلق و توسل به غیر خدا تفسیر می‌کنند حرفشان تنها در صورتی صحیح است که ما برای ابزار و وسایل موجود اصالت و استقلال قائل شویم وگرنه چنانچه آنها را وسائلی بدانیم که به مشیت و اذن الهی ما را به نتیجه می‌رسانند از مسیر توحید خارج نشده‌ایم.

سیرهٔ مسلمین در زمان پیامبر و پس از او پیوسته بر این جاری بود که مسلمانان به ذات اولیای الهی و مقام و منزلت آنان توسل می‌جستند .

علاوه بر نص آیات و روایات توسل به اولیای الهی در سیرهٔ اصحاب و تابعین و مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد . اصحاب پیامبر در صدر اسلام و مسلمانان به تبعیت آنان تا کنون همواره در مقام دعا و نیایش، به انبیاء عظام ، اولیاء و صالحان ارجمند و انسانهای الهی متوسل شده‌اند، و مقربان و آبرومندان در پیشگاه الهی را وسیله قرار داده‌اند تا خداوند به احترام آنها دعایشان را مستجاب کند و حوائجشان را برآورده سازد.

محتوای آموزشی :

علاوه بر احادیث و دستوراتی که مستقیماً و صراحتاً دستور به توسل و استفاده از نام بزرگان برای رسیدن به حوائج دنیوی و اخروی می‌دهند، با نگاهی به تاریخ صدر اسلام نیز به راحتی می‌توان بهره‌گیری از توسل را در سیره و روش زندگی مسلمانان یافت کرد داستانها و روایات متعددی^۱ در این زمینه وجود دارد روایاتی که در آن مسلمانان حاجات خود را از پیامبر درخواست کرده و مقام و رتبه پیامبر را واسطه قرار می‌دهند^۲ تا مطلوب خود را از درگاه الهی کسب نمایند. نه تنها در زمان پیامبر که در سایر زمانها نیز چنین رویه‌ای مرسوم بوده است و مسلمانان با رجوع به اولیاء الهی سعی می‌کردند از راه میانبر، سریعتر و زودتر به خداوند نزدیک شده و با استفاده از مقام آن بزرگان زودتر حاجت خود را بدست آورند.

به هر حال توجه به سیره مسلمین و صحابه پیامبر (که به نظر اهل تسنن از مهمترین محورهای بدست آوردن احکام فقهی است) به تواتر، توسل به بزرگان را تأیید و مورد صحت معرفی می‌کند. در ادامه به نمونه‌هایی از توسلات صحابه و علمای اهل سنت به اولیای الهی می‌پردازیم.

۱. توسل حاکم نیشابوری به قبر امام رضا(ع)

حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هـ. ق) توسل خود به امام رضا(ع) را مطرح می‌کند و می‌گوید :
خداوند عزوجل مرا بر کرامات قبر شریف امام رضا(ع) نیز آشنا ساخت ؛ چرا که بهترین کرامات را شاهد بودم. برای نمونه - از خود بگویم - مدت‌ها گرفتار پادرد بودم به گونه‌ای که با سختی و مشقت حرکت می‌کردم. پس با همین حال به زیارت قبر امام رضا(ع) رفتم و شب را آن جا ماندم ، صبح هنگام اثری از درد پایم نبود و به سلامت به نیشابور بازگشتم.^۳

۲. توسل زید فارسی به قبر امام رضا(ع)

حاکم نیشابوری به دو واسطه از زید فارسی چنین نقل می‌کند :

^۱ نقل شده ابابکر بعد از فوت پیامبر(ص) می‌گوید : « اذکرنا یا محمد عند ربک و لنکن فی بالک » « ای پیامبر ! نزد خدا ما را یاری کن و ما در خاطر تو باشیم» یعنی در ذهن خلیفه اول این مسئله بوده که می‌شود به پیامبر توسل جست و هیچ بُعدی نداشته است.

^۲ طبرانی در معجم کبیر و اوسط خود و ابن حبان و ابو نعیم و جلال‌الدین سیوطی هم حدیث را بیان کردند و بر صحت و درستی سند آن مهر تأیید می‌زنند.

در این حدیث بیان می‌شود هنگامی که فاطمه بنت اسد مادر بزرگوار حضرت امیرالمؤمنین درگذشت پیامبر به لحاظ شدت علاقه کلمات جانگداز در عزای او بیان نمودند و این چنین فرمودند :

اغفر لأمی فاطمه بنت اسد و رسع علیها مدخلها بحق نبیک و الأئیاء الذین من قبلی . . .

به حق مقامی که من در خانه تو دارم و به حق انبیای الهی قبل از من این قبر را در برزخ عالم قبر وسیع قرار بده یعنی رحمت خودت را بر فاطمه بنت اسد کاملاً بگشای .

^۳ فرائدالسمطین : ج ۲ ، ص ۲۲۰.

مدت دو سال تمام گرفتار پادرد بودم به گونه‌ای که نمی‌توانستم نماز را ایستاده بخوانم تا این که شبی در خواب کسی به من گفت: چرا به زیارت قبر امام رضا(ع) نمی‌روی؟ چرا به قبر امام رضا(ع) سر نمی‌زنی؟ خاک قبر را به پایت نمی‌سایی و در آن جا برای شفای درد خود دعا نمی‌کنی؟

هنگامی که از خواب بیدار شدم مرکبی را کرایه کردم و به طوس آمدم و از خاک قبر شریف آن حضرت به پایم ساییدم و برای شفای بیماریم دعا کردم و بحمدالله بهبود یافت و از آن موقع تا کنون که دو سال می‌گذرد هیچ مشکلی برای من پیش نیامده است.^۱

۳. توسل ابو نصر مؤذن نیشابوری

جوینی شافعی نگارنده «فرائدالسمطین» به سند خود از ابونصر نیشابوری نقل می‌کند: گرفتار بیماری سختی شدم و زبانم به گونه‌ای از کار افتاد که قدرت تکلم نداشتم. ناگاه به ذهنم خطور کرد که به زیارت قبر حضرت رضا(ع) بروم و به ایشان متوسل شوم و دعا کنم و از خداوند بخواهم تا مرا شفا بخشد. از این رو، به قصد زیارت حرکت کردم و قبر شریف را زیارت کردم و در قسمت بالای سر مبارک دو رکعت نماز خواندم و در دعا و تضرع صاحب قبر - امام رضا(ع) - را شفیع خود به درگاه خدای تعالی قرار می‌دادم و از خدا می‌خواستم که بیماری مرا شفا دهد و زبانم دوباره به کار افتد. در حال سجده که با عجز و لابه دعا می‌کردم خوابم برد، در خواب دیدم گویا ماه شکافته شد و شخصی از آن بیرون آمد و به من نزدیک شد و فرمود: یا ابا نصر! بگو «لا إله إلا الله».

با اشاره پاسخ دادم: چگونه بگویم در حالی که زبانم بسته و قدرت سخن گفتن ندارم. ناگاه آن شخص فریاد کشید و فرمود: آیا منکر قدرت خداوند هستی؟! بگو: «لا إله إلا الله». فوری زبانم گشوده شده و این جمله را بر زبان جاری کردم و از خواب پریدم در حالی که همان جمله را تکرار می‌کردم، آن‌گاه با ترنم همان ذکر به طرف منزل خود حرکت کردم و پس از آن به طور کلی مشکل گفتاری من برطرف گردید.^۲

۴. توسل امیر خراسان به قبر امام رضا(ع)

جوینی شافعی به سه واسطه از دربان - پیشکار - حمویه بن علی، امیر خراسان نقل می‌کند: روزی به همراه حمویه برای بازدید به بازار بلخ رفتیم، ناگاه حمویه نگاهش به مردی افتاد. دستور بازداشت او را صادر کرد، سپس دستور خرید یک مرکب و تهیه یک دست غذا و دویست درهم پول را صادر کرد. پس از بازدید به محل کار خودش بازگشت و آن مرد بازداشتی را احضار کرد و به او گفت: تو یک پس گردنی به من بدهکاری و باید از تو قصاص کنم. آن مرد با تعجب، این مطلب را انکار کرد.

^۱ همان: ج ۲، ص ۲۱۹

^۲ همان: ج ۲، ص ۲۱۷.

حمویه در مقام یادآوری گفت: به یاد داری روزی که با هم به زیارت قبر امام رضا(ع) رفته بودیم. تو در آن جا دعا کردی و گفתי: «اللهم ارزقنی حماراً و مأتی درهم و سفرة فیها جبنة و خبزة»؛
 «خدایا! یک مرکب، دویست درهم و یک دست غذا (نان و پنیر) به من عنایت کن.»
 و من دعا کردم و گفتم: «اللهم ارزقنی قیادة خراسان»؛
 «خداوندا! رهبری خراسان را نصیب من کن»
 تو فوری از جا برخاستی و یک پس گردنی حواله‌ام کردی و گفתי: چیزی که شدنی نیست درخواست نکن.
 ولی می‌بینی خداوند دعایم را مستجاب گردانید و دعای تو هم مستجاب شد، ولی حق قصاص برای من باقی است.^۱

۵. توسل ابوعلی خلال به قبر امام کاظم(ع)

در زمینه توسل، خطیب بغدادی داستانی را در تاریخ خود به دو واسطه از بزرگ و مرجع حنبلی‌ها نقل می‌کند ف پیشوای حنبلی‌ها می‌گوید:
 ما همنی أمر فقصدت قبر موسی بن جعفر فتوسلت به الّا سهل الله تعالی لی ما أحبّ؛
 هر مشکلی برای من روی آورد، به کنار قبر امام کاظم(ع) می‌روم و به قبر حضرتش متوسل می‌شوم. و خداوند خواسته و مشکل مرا حلّ و آسان می‌نماید.^۲

۶. توسل اهل مدینه به قبر پیامبر خدا(ص)

مسعودی در «مروج الذهب» می‌نویسد:
 «... اتصلت ولايته بأهل المدينة، فاجتمع الصغير والكبير بمسجد رسول الله(ص) وضجوا إلى الله، ولاذوا بقبر النبي(ص) ثلاثة أيام، لعلمهم بما هو عليه من الظلم والعسف...»؛
 «در سال ۵۳ هجری زیاد بن ابیه - حاکم عراق - در نامه‌ای به معاویه چنین نوشت: تمامی مردم شهر - کوچک و بزرگ - به مسجد پیامبر اکرم(ص) آمده و ضجه و شیون و دعا و عجز و لابه سر دادند و سه روز به قبر پیامبر(ص) پناهنده و به آن متوسل شدند؛ چرا که از ظلم و زورگویی زیاد بن ابیه آگاه بودند و در اثر این توسل پس از سه روز، زیاد هلاک شد.^۳
 اکنون این شواهد و دلایل مشروعیت توسل را - که بیان شد - با دلیل‌های و هابی‌ها - که آن را شرک اکبر می‌دانند - مقایسه کنید و خود قضاوت و داوری نمایید.

^۱ همان: ج ۲، ص ۲۱۹.

^۲ تاریخ بغداد: ج ۱، ص ۱۲۰، باب ما ذکر فی مقابر بغداد.

^۳ مروج الذهب: ج ۳، ص ۳۲.

ابن تیمیه می‌گوید: «الشرك شركان: أكبر و له أنواع... و منه طلب الشفاعة من المخلوق و التوسل...»؛
 «شرك دو نوع است: شرك اكبر كه انواعی دارد... یکی از آنها درخواست شفاعت از دیگران و توسل است...»^۱
 بنا بر نظر وهابی‌ها همه مسلمانان از صدر اسلام تا به امروز مشرک به شرك اكبر هستند و تنها موحد و خدانشناس
 وهابی‌های نجد - قرن الشیطان - می‌باشند.
 فراتر این که بنا بر دیدگاه آنها، همه تعالیم و آموزه‌های اسلام از آیات شریف و احادیث نبوی و رفتار و منش
 صحابه، همگی مردم را به شرك اكبر فرا می‌خوانند (!) و تنها منادی توحید همان پیامبران جدید و رسولان نوین؛
 یعنی ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب هستند و بهشت در بست در احتکار و اختیار این فرستاده انگلیس و پیروان او -
 همان اعراب اشد کفرا و نفاقاً - می‌باشد (!)

^۱ ر. ک: الكلمات النافعة في المكفرات الواقعة: ص ۳۴۳، عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب ضمن الجامع الفريد، التوصل إلى حقيقة التوسل: ص ۱۲؛
 مجموعة الرسائل والمسائل: ج ۱، ص ۲۲.

چکیده :

۱. سیرهٔ مسلمین از شیعه و سنی از ابتدای اسلام تا کنون همواره بر واسطه قرار دادن اولیای الهی در پیشگاه خداوند استوار بوده است.

۲. علما و بزرگان اهل سنت نیز برای برآورده شدن حاجات خود همواره به توسل روی می آورده‌اند که می‌توان به نمونه‌هایی از آن به شرح زیر اشاره کرد :

- توسل حاکم نیشابوری به قبر امام رضا(ع) و بهبودی پا درد او
- توسل زید فارسی به قبر امام رضا(ع) و بهبودی بیماری او
- توسل ابو نصر مؤذن نیشابوری به قبر امام رضا(ع) و گشوده شدن زبان او
- توسل امیر خراسان به قبر امام رضا(ع)
- توسل مداوم ابوعلی خلال به قبر امام کاظم(ع) برای حل مشکلاتش
- توسل اهل مدینه به قبر پیامبر(ص) برای در امان ماندن از ظلم زیاد بن ابیه